

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بیایری از خداوند سبحان و اعتقاد بر این که عالم محضر خداست و بهواره ناظر بر افعال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ماد انشویان و اعضاء هیئت علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از حرکت رفقار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلاینند.



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجانب **الهام شمس** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته **مشاوره خانواده** که در تاریخ **۱۳۹۳/۱۱/۲۱** از پایان نامه خود تحت عنوان "**نارسایی هیجانی ، کمال گرایی و سبک های دفاعی زنان متعارض ، متقاضی طلاق و عادی باکسب نمره** دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.

۲) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

دانشکده علوم تربیتی - گروه مشاوره

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (MA)

گرایش: خانواده

عنوان:

مقایسه نارسایی هیجانی ، کمال گرایی و سبک های دفاعی زنان متعارض،
متقاضی طلاق و عادی

استاد راهنما:

دکتر نازنین هنرپروران

استاد مشاور:

دکتر زهرا قادری

نگارش:

الهام شمس

زمستان ۱۳۹۳



صورتحلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

نام و نام خانوادگی دانشجو: الهام شمس در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ رشته: مشاوره خانواده
از پایان نامه خود با عنوان: مقایسه نارسایی هیجانی، کمال گرایی و سبک های دفاعی
زنان متعارض متقاضی طلاق و عادی

با درجه و نمره دفاع نموده است.

امضاء اعضای هیات داورى	سمت	نام و نام خانوادگی اعضای هیات داورى
	استاد راهنما	۱ -
	استاد مشاور	۲ -
	استاد داور	۳ -
	استاد داور	۴ -

مدیر/معاونت پژوهشی

مراتب فوق مورد تایید است.

مهر و امضاء

سپاسگذاری از

آفریدگاری که همه هستی من از اوست .

با سپاس فراوان از استاد گرامی و ارجمند سرکار خانم دکتر نازنین هنرپروران که در تمامی مراحل انجام این پروژه دست توانایشان پشتیبان و راهنمای من بود . از زحمات و نظارت موثر ایشان صمیمانه تشکر مینمایم و برای ایشان طول عمر و توفیق روز افزون آرزو دارم .

از استاد و مشاور عزیزم سرکار خانم دکتر زهرا قادری که با رهنمود های ارزنده و با روشنگری های خود در این پژوهش مرا یاری کردند تقدیر و تشکر می کنم و موفقیت ایشان را در همه امور زندگی از خداوند منان خواستارم .

از مدیرگروه سابق سرکار خانم دکتر لادن معین و مدیر گروه محترم فعلی سرکار خانم دکتر ژاله رفاهی که در طی ترم های تحصیلی مفاهیم و رهنمود های ارزنده را به من تعلیم دادند کمال تشکر را دارم

تقدیم به

پدر و مادرم

آنانکه همچون شمع می سوزند و روشنی بخش زندگی ام هستند و دعای خیر و افتخار وجودشان همیشه گره گشای مشکلاتم بوده و هست .

تقدیم به

همسر عزیزم که در سخت ترین لحظات دلم به وجودش گرم و عزمم با کلامش جزم و راهم با همراهیش هموار گشت و فرزندم پوریا او که امید زندگانی من است و مرا در این راه با حوصله ای که به خرج داد یاری کرد .

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۱	چکیده.....
۲	فصل اول: طرح پژوهش.....
۳	مقدمه.....
۵	بیان مسئله.....
۸	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۱۱	هدف تحقیق.....
۱۱	فرضیه های پژوهش.....
۱۲	تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها.....
۱۲	تعاریف نارسایی هیجانی.....
۱۲	تعریف ابعاد نارسایی هیجانی.....
۱۲	تعاریف کمال گرایی.....
۱۲	تعاریف ابعاد کمال گرایی.....
۱۳	تعریف سبک های دفاعی.....
۱۳	تعریف ابعاد سبک های دفاعی.....
۱۴	تعاریف عملیاتی.....
۱۴	نارسایی هیجانی.....
۱۴	کمال گرایی فراست.....
۱۵	تعریف طلاق.....
۱۵	زنان متقاضی طلاق.....
۱۵	زنان متعارض عادی.....
۱۶	فصل دوم: مفاهیم نظری و پیشینه پژوهش.....
۱۷	تعاریف تعارض:.....
۱۹	عوامل موثر در طلاق:.....
۲۲	نارسایی هیجانی (ناگویی هیجانی).....
۲۳	عناصر هیجان.....
۲۴	ابعاد هیجان.....
۲۶	انواع هیجان.....

۲۷	هیجان و ارتباطات.....
۲۷	نظریه جیمز لانگه.....
۲۸	نظریه کارن و بارد.....
۳۱	نظریه های بالینی هیجان.....
۳۱	رویکرد شناختی به نارساکنش وری و هیجان.....
۳۱	نظریه روان تحلیل گری.....
۳۲	نظریه دیویتز.....
۳۲	نظریه روابط اجتماعی.....
۳۳	هیجان در رویکرد تجربه نگر و انسان گرایانه.....
۳۳	مفهوم نارسایی (ناگویی هیجانی).....
۴۰	کمال گرایی.....
۴۳	ابعاد کمال گرایی.....
۴۴	ویژگی افراد کمال گرا.....
۴۵	مفاهیم نظری کمال گرایی.....
۴۵	نظریه زیگموند فروید.....
۴۶	نظریه هورنای.....
۴۶	نظریه آدلر.....
۴۶	نظریه راجرز.....
۴۷	نظریه الیس.....
۴۷	نظریه اریکسون.....
۴۷	نظریه فرانکل.....
۴۷	نظریه دیدگاه روان شناسی الهی اسلامی.....
۴۸	نظریه فراست.....
۴۹	مفاهیم نظری سبک های دفاعی.....

۵۴	تقسیم بندی سازو کار دفاعی
۵۷	نظریه های مختلف مکانیسم دفاعی
۵۷	دیدگاه کلاین
۵۷	دیدگاه کرنبرگ
۵۷	دیدگاه بلاچیک
۵۸	دیدگاه وایلانت
۵۸	پیشینه پژوهش
۵۸	پیشینه خارجی پژوهش
۶۵	پیشینه داخلی پژوهش
۷۳	خلاصه و نتیجه گیری
۷۵	فصل سوم: روش پژوهش
۷۶	مقدمه
۷۶	طرح کلی پژوهش
۷۶	جامعه آماری
۷۶	نمونه گیری و حجم نمونه پژوهش
۷۷	خصوصیات آزمودنی ها
۷۹	ابزار پژوهش
۸۵	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۸۵	ملاحظات اخلاقی
۸۶	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها
۸۷	یافته های توصیفی
۸۹	یافته های استنباطی حاصل از فرضیه های پژوهش
۹۳	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۹۴	بحث و نتیجه گیری
۱۰۰	محدودیت های پژوهش
۱۰۰	پیشنهادات کاربردی و پژوهشی
۱۰۲	منابع
۱۱۷	پیوست ها
۱۲۲	چکیده لاتین

فهرست جداول

شماره صفحه	عنوان
جدول ۳-۱: توزیع زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ وضعیت دو گروه زنان.....	۷۸
جدول ۳-۲: توزیع زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ وضعیت شغل.....	۷۸
جدول ۳-۳: توزیع زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ وضعیت تحصیلات.....	۷۹
جدول ۳-۴: توزیع زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ وضعیت مدت ازدواج.....	۷۹
جدول ۳-۵: توزیع زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ وضعیت سن.....	۸۰
جدول ۴-۱: میانگین وانحراف معیار نارسایی هیجانی در دو گروه مورد مطالعه.....	۸۸
جدول ۴-۲: میانگین وانحراف معیار کمال گرایی در دو گروه مورد مطالعه.....	۸۹
جدول ۴-۳: میانگین وانحراف معیار سبک‌های دفاعی در دو گروه مورد مطالعه.....	۹۰
جدول ۴-۴: آزمون تی مستقل نارسایی هیجانی در دو گروه مورد مطالعه.....	۹۱
جدول ۴-۵: آزمون تی مستقل کمال گرایی در دو گروه مورد مطالعه.....	۹۲
جدول ۴-۶: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری بر روی میانگین نمره های سبک های دفاعی زنان متقاضی طلاق و متعارض عادی.....	۹۳
جدول ۴-۷: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری بر روی میانگین نمره های نارسایی هیجانی زنان متقاضی طلاق و عادی.....	۹۵
جدول ۴-۸: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری بر روی میانگین نمره های کمال گرایی زنان متقاضی طلاق و متعارض عادی.....	۹۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه نارسایی هیجانی، کمال گرایی و سبک های دفاعی زنان متعارض، متقاضی طلاق و عادی مراجعه کننده به اورژانس اجتماعی شیراز انجام گرفت. طرح پژوهش توصیفی از نوع علی، مقایسه ای بود. نمونه پژوهش شامل ۷۵ زن متقاضی طلاق و ۷۵ زن متعارض عادی بود که به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به ابزارهای پژوهش که عبارت بودند از پرسشنامه نارسایی هیجانی (الکسی تایمیا تورنتو) و کمال گرایی فراست و سبک های دفاعی اندروز و همکاران پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و انحراف استاندارد و آمار استنباطی (آزمون t مستقل و تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA)) استفاده شد. نتایج نشان داد، بین نارسایی هیجانی و ابعاد آن دشواری در تشخیص احساسات و دشواری در توصیف احساسات و تفکر با جهت گیری خارجی در زنان متقاضی طلاق و متعارض عادی تفاوت معناداری در سطح $p < 0/001$ وجود دارد و بین کمال گرایی و خرده مقیاس های آن، نگرانی افراطی درباره اشتباهات، درک شخص از انتقادات والدین، درک شخص از انتظارات والدین، تمایل به شک و تردید، گرایش به نظم و سازمان یافته بودن و معیارهای عملکرد شخصی در دو گروه زنان متقاضی طلاق و زنان متعارض عادی تفاوت معناداری در سطح $p < 0/001$ وجود دارد. همچنین مشخص گردید بین سبک های دفاعی بجز رشد یافته در دو خرده مقیاس رشد نیافته $p < 0/002$ و روان آزرده $p < 0/001$ بین زنان متقاضی طلاق با زنان متعارض عادی تفاوت معناداری وجود دارد و زنان متقاضی طلاق سبک دفاعی روان آزرده و سبک دفاعی رشد نیافته بیشتری دارند. و هر دو گروه به دلیل تعارضات، کمتر از سبک دفاعی رشد یافته استفاده می کنند.

کلید واژگان: نارسایی هیجانی، کمال گرایی، سبک های دفاعی، زنان متعارض، زنان متقاضی طلاق

فصل اول: کلیات پژوهش

خانواده حداقل از دو رکن مهم یعنی زن و شوهر به وجود می آید و سپس با تولد فرزندان خانواده گسترده تر و نیازها متنوع تر و نقش هر کدام از اعضای خانواده مضاعف تر و تعامل میان اعضا پیچیده تر می شود. نقش زن در خانواده نیازمند توجه خاص است. هر کدام از خانواده های فوق بنا بر گستردگی و تعداد اعضا آن نیازهای متنوعی دارند که زن در تأمین بخشی از آن نیازها ایفای نقش می کند. ایفای نقش در تأمین برخی از نیازها منحصر به عهده زن می باشد که هیچ کس دیگری نمی تواند این نیازها را تأمین کند. برخی از نیازها را با مشارکت سایر اعضا خانواده باید تأمین کرد. گاهی این نقش ها در یکدیگر ادغام شده و منجر به تعارض^۱ می شوند (امین، ۱۳۸۹).

تعارض در هر روابط صمیمی امری طبیعی است و ازدواج از این قاعده مستثنی نیست. زیرا تعاملات مکرر و مختلف زوجین زمینه های بی شماری را برای تعارض فراهم می کند (الهی فرد، ۱۳۸۴). بنابراین تعارض در زوجین امری طبیعی و ناشی از وجود تفاوتهاست و نمی توان مانع از تعارض شد و در زوجین عادی هم به وفور وجود دارد. اما اگر این تعارض ها حل نشود و رشد پیدا کند منجر به ناسازگاری، فرو پاشی و در نهایت طلاق^۲ می گردد. بی هیچ شبهه ای طلاق از دشوارترین پدیده های اجتماعی از دیدگاه پژوهشی است (عبدالهی، ۱۳۹۰).

طلاق یکی از پیچیده ترین پدیده های اجتماعی عصر ما است که افراد بسیاری از آن لطمه می بینند. راه حل رایج و قانونی برای عدم سازش زن و شوهر، فروریختن ساختمان خانواده، قطع پیوند زناشویی می باشد. طلاق در لغت به معنی گشودن گره و رها کردن است. در فقه اسلامی در تعریف آن گفته اند: طلاق عبارتست از زائل کردن قید ازدواج با لفظ مخصوص (صفائی و امامی، ۱۳۷۲).

در ایران طبق آخرین آمار مربوط به سازمان ثبت احوال کشور، کل موارد ثبت شده ی طلاق در مناطق شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۷۱ معادل ۳۳۹۸۳ مورد بوده است که این شاخص با حدود ۸۰٪ افزایش در سال ۱۳۸۰ به ۶۱۰۱۳ مورد رسیده است. در سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ نسبت ازدواج به طلاق که از تعداد پنج ازدواج شده در برابر یک طلاق می باشد، از ۵/۵ درصد به ۹/۸ درصد رسیده و این آمار در استان فارس نیز ۶/۶ به ۹/۷ رسیده که نشان دهنده کاهش شدید ازدواج و تشکیل خانواده و افزایش آمار طلاق می باشد. عمق مسأله زمانی آشکار می شود که نتایج پژوهشهای متعدد داخلی و خارجی در زمینه تأثیرات عمیق روانشناختی، اجتماعی، اقتصادی و حتی قانونی طلاق بر روی همه ی کسانی که به نحوی در آن درگیر هستند، در نظر گرفته شود (به نقل از کثیری نسب، ۱۳۹۱).

¹ conflict
² divorce

شواهد نشان می دهد که حدود نیمی از ازدواج های امروزی به طلاق می انجامد . بعد از طلاق حدود ۶۵ درصد زنان و ۷۰ درصد مردان احتمالاً ازدواج می کنند و حدود ۵۰ درصد افرادی که برای بار دوم ازدواج کرده اند دوباره طلاق می گیرند (ورثیگتون^۱، به نقل از پور افکاری، ۱۳۸۷).

دسته ای از پژوهش ها نارسایی هیجانی^۲ را به عنوان یک حالت^۳ و پیامد درماندگی شخصی معرفی می کند. اساس رویکرد نارسایی هیجانی صرفاً یک مکانیسم مقابله ای برای محافظت از خود علیه درماندگی هیجانی مرتبط با موفقیت های شدید آسیب زا می باشد . طبق تعریف ، مکانیسم دفاعی^۴ فرایندهای تنظیم کننده خودکاری هستند که برای کاهش ناهماهنگی شناختی و به حداقل رساندن تغییرات ناگهانی در واقعیت درونی و بیرونی از طریق تاثیر گذاری بر چگونگی ادراک حوادث تهدید کننده عمل می کنند (بشارت ، ۱۳۸۷) .

یکی از ویژگیهایی که در روابط انسانی تاثیر گذار است کمال گرایی است . اشخاص کمال گرا^۵ کسانی هستند که فکر می کنند آنها می توانند به صورت دقیق کار کنند هر چیزی که دقیق نباشد از نظر آنها رضایت بخش نیست و آنها به نشانه های عدم دستیابی به معیار های بالای عملکرد ، توجه سوگیرانه دارند (برنز^۶ ، ۱۹۸۴ ، به نقل از علیلو ۱۳۸۵) و کمال گرایی^۷ از جمله ویژگی های شخصیتی است که در چند دهه اخیر پژوهشهای متعددی روی آن انجام شده است . شخص کمال گرا معیار های شخصی خیلی بالایی دارد و گرایش به انتقاد بیش از حد در ارزیابی عملکرد خود دارد. که این ویژگی می تواند در روابط بین زوجین و تصمیم گیریها در ارتباطشان موثر واقع شود (فلت و هویت، ۲۰۰۵^۸).

سبک های دفاعی دارای ویژگی هایی هستند از جمله ناخود آگاه بودن و عدم آگاهی فرد از فعالیت های در اضطراب ، داشتن قدرت سازگاری که باعث تطابق بهتر فرد با عوامل ناسازگار می شود زیرا صرفاً شیوه ادراک فرد را از موقعیت عوض می کنند و استفاده مفرد از آنها نشانه ناسازگاری شخصیت است (احمد وند، ۱۳۸۲).

یکی از دلایل توجه نمودن به بررسی کمال گرایی و سبک های دفاعی^۹ با زوجین این است که کمال گرایان غالباً به عنوان افرادی با مزاج های مضطرب توصیف شده اند و هدف از سبک ها و یا مکانیسم های دفاعی ختنی کردن اضطراب مرتبط با تضاد ها و تهدید های من می باشد (فلت، ۲۰۰۵^{۱۰}).

¹ varsiengtoon

² alexi thymia

³ state

⁴ defense mechamisms

⁵ Personality perfectinon

⁶ Burns

⁷ perfectionism

⁸ Flett&Hewitt

⁹ Defense Style

¹⁰ Flat

تحقیقات بسیاری برای تعامل بین زوجین به منظور بررسی پیامدهای زناشویی تمرکز کرده اند این شواهدها علل و مهارت های حل تعارض را مورد مطالعه قرار داده اند. ابراز هیجانات و ارتباط و شیوه های دفاعی و مقابله ای زوجین به یکدیگر تعیین کننده مهمی در کیفیت رابطه زناشویی پایدار معرفی کردند (گاتمن،^۱ ۲۰۰۰).

امید است پژوهش حاضر که به دنبال مقایسه نارسایی هیجانی، کمال گرایی و سبک های دفاعی زنان متعارض، متقاضی طلاق و عادی است، بتواند قدمی در جهت شناسایی متغیرها و عوامل مهم مرتبط با پایداری زندگی زناشویی و ارتقاء سطح سازگاری زنان در خانواده و جامعه باشد.

بیان مسئله

خانواده، نظامی اجتماعی و طبیعی است که ویژگی های خاص خود را دارد. در چنین نظامی، افراد با علائق و دلبستگی های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل به یکدیگر پیوسته اند. هنگامی که در چرخه زندگی، خانواده ها از نقاط گذار عبور می کنند، هیچ خانواده ای از این تغییرات بدون مشکل عبور نمی کند، همه دچار فشار روانی می شوند، مقابل تغییر مقاومت می کنند و دچار چرخه معیوب می شوند (دهقانی، ۱۳۸۰). دیویس^۲ معتقد است تعارض در روابط وقتی بروز می کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر جور در نیاید (بهاری، ۱۳۷۹). وجود تعارض در زندگی، بخش اجتناب ناپذیر هستی انسان را تشکیل می دهد. این موضوع هم می تواند جنبه مثبت و رشد دهنده و هم جنبه منفی و تخریبی در روابط انسانی داشته باشد (شاکریان، ۱۳۹۰).

تعارضات زمانی بالا می گیرد که درجات مختلف استقلال یا وابستگی زوج ها به یکدیگر جهت همکاری و تصمیم گیری مورد نیاز باشد (منصور، ۱۳۸۳). همچنین اوقاتی پیش می آید که یا فقدان توافق مشاهده می شود یا نیازها برآورده نمی شود، در نتیجه همسران نسبت به یکدیگر احساس خشم، ناامیدی و نارضایتی می کنند (حکیمی، ۱۳۹۱).

همسرانی که در ایجاد روابط مناسب ناتوان هستند بیشتر از همسرانی که در این زمینه توانا هستند از روابط خود ناراضی اند. در مطالعات مختلف گزارش داده اند که تأثیر منفی تعارضات زناشویی، شکایات و بی توجهی در بین همسران افسرده در مقایسه با همسران آرام بیشتر است. بخشی از این تعارضات در ارتباط با عوامل بیرونی و بخشی از آن ها در ارتباط با عوامل درونی خانواده می باشد. البته میان این دو عامل ارتباط متقابل وجود دارد (منصوریان، ۱۳۸۷).

در زمینه آثار مخرب تعارض زنان در زندگی زناشویی نیز به پیامدهای جسمی و خطر افزایش انواع اختلالات روانی مانند افسردگی، سوء مصرف مواد، ناکارآمدی جنسی و مشکلات رفتاری اشاره نموده

¹ Gatman&Nortorius

² Deves

است. همچنین برخی از ویژگی های شخصیتی و اختلالات روانی، تنش ها و تعارضات را بین زوج ها افزایش می دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می کند (حسینی، ۱۳۹۲).

روند یا سیر طلاق معمولاً با شروع اصطکاک و تنش میان زوجین آغاز می شود و مرحله ی بعد پیدا شدن فکر طلاق در هر یک از دو جانب رابطه است از طرفی گروهی دیگر از زوجین متعارض علارقم تعارضات بالا به زندگی مشترک خود ادامه می دهند. به عقیده ی گاتمن کیفیت تعامل بین زوجین پیشگویی مهمی برای آشفتهگی زناشویی یا طلاق است. مطالعات وی نشان داد زوجینی که ارتباط منفی تری با همدیگر دارند دارای ازدواج نابسامان بوده یا آشفتهگی زناشویی در آینده را می توان به آنها نسبت داد. وی دریافت زوج هایی که در صدد طلاق هستند در تعاملات زناشویی خود از هیجان های منفی بیش از هیجان های مثبت استفاده می کنند (گاتمن، ۱۹۹۴).

بلاچیک^۱ (۱۹۹۹) معتقد است هیجانات فرایند های شناختی همچون ارزیابی، ادراک و فرایند برچسب زنی ایجاد می کند و به فرد کمک می کند که محیط را به لحاظ اهمیتی که برای او دارد ضرر و سود و به طور کلی معنایی که برای او دارد ارزیابی می کند. او معتقد است هیجانات با ارزیابی های شناختی جهت آمادگی فرد برای عمل در ارتباط است و سارافینو^۲ (۱۹۸۱) هیجان را نتیجه ی تعامل عوامل درونی، عوامل محیطی و فرایند های عصبی هورمونی می داند و معتقد است هیجان ها با تجارب عاطفی مانند احساس لذت یا عدم لذت همراهند. برخی از پژوهشگران به تفاوت مورد اشاره در ابراز هیجان زنان و مردان توجه و تاکید بیشتری کردند و آنها را از مفهوم جنس هیجانی برای تبیین این تفاوت در میزان بهره گیری از راهکارهای هیجان مدارانه زنان در مقایسه با مردان استفاده کرده اند. زنان در مقایسه با مردان بیشتر گریه میکنند و به گریه به عنوان یک روش مقابله بیشتر از سایر مکانیسم ها توجه دارند. برای بیان هیجانات خود از فعالیت ها و نشانه های چهره بیشتر استفاده می کنند و بیشتر از مردان برای مقابله با شرایط و موقعیت های تنیدگی زا از دیگران کمک می خواهند. این دو به رغم تفاوت های ذکر شده هنوز نمی توان گفت که زنان مقدار بیشتری از هیجانات را شدید تر تجربه میکنند یا نشان می دهند. و ممکن است کمتر یا همان مقدار هیجانات را تجربه کنند. اما مقدار بیشتری از هیجانات را در مقایسه با مردان نشان داده و اظهار می کنند. نارسایی هیجانی به دشواری در خود تنظیم گری هیجانی^۳ و به عبارتی دیگر به ناتوانی در پردازش شناختی^۴، اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان ها^۵ گفته می شود. نارسایی هیجانی پیش بینی کننده مهمی برای رضایت کمتر از زندگی زوجین است (به نقل از بشارت، ۱۳۸۷)

1 Belachic

2 Saraphino

3 emotional self regulation

4 cognitive processing

5 regulation emotions

کیفیت هیجانی^۱ در رابطه با زن و شوهر می تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کند حمایت می کند و کیفیت هیجانی مهمترین نیاز برای تداوم رابطه است. عوامل بسیاری از جمله ویژگی های شخصیتی نقش تاثیرگذاری ایفاء می کنند، از جمله این عوامل موثر می تواند کمال گرایی باشد که از جمله عوامل روانشناختی دخیل در پدیده طلاق می باشد. کمال گرایی به عنوان یک ویژگی شخصیتی همواره امری دشوار بوده است. اگر چه هنوز اتفاق نظری در میان دانشمندان در رابطه با این ساختار روانی وجود ندارد، کمال گرایی توقع بی اندازه شخص از خود یا دیگران در رابطه با کیفیت عملکرد می باشد (فلت و هوویت، ۲۰۰۲).

کمال گرایی به منزله تمایل پایدار فرد به وضع معیارهای کامل و دست نیافتنی و تلاش برای تحقق آن هاست که با ارزشیابی های انتقادی از عملکرد شخصی همراه است (برنز، ۱۹۸۰).

کمال گرایی یک الگوی پایدار فکر و رفتار است که به میزان کمی در طی زمان تغییر می کند، بر عکس سایر حالات انسان مانند ترس و یا اضطراب که در موقعیت خاصی به کار می رود تحقیقات مختلف، کمال گرایی را به عنوان یک صفت پایدار شخصیتی، که از اوایل زندگی تشکیل می شود در نظر می گیرند (آنشل، ۲۰۰۹).

افراد کمال گرا در محیط خانواده بیشتر اوقات عصبانی هستند، سخت گیرند، دایم ایراد می گیرند، انتقاد می کنند و بر این باورند که همواره یک راه درست برای مواجه شدن با هر مشکلی وجود دارد، ایده آل گرا هستند، ترس از خوب نبودن و کامل نبودن آنها را آزار می دهد، برای بهبود بخشیدن به همه چیز تلاش می کنند، مشکل پسند هستند، از این رو در محیط خانوادگی یا به شدت دچار مشکل شده و از برقراری ارتباط موثر غافل می شوند و انزوا را انتخاب می کنند یا اگر نتوانند در محیط خود تغییر ی ایجاد کنند راهی جز فرار را انتخاب نمی کنند. افراد کمال گرا در محیط خانوادگی رفتارهایی توأم با خودخوری و تکانه های پرخاشگری نشان می دهند (بشارت، ۱۳۸۴).

مفهوم مکانیسم دفاعی از DSM به عنوان فرایند های روانشناختی خودکاری تعریف شده اند که از افراد در مقابل اضطراب و آگاهی از رویداد های استرس زای بیرونی و درونی حمایت می کند و برای کاهش ناهماهنگی شناختی و به حد اقل رساندن تغییرات ناگهانی در واقعیت درونی و بیرونی از طریق تاثیر گذاری بر چگونگی ادراک حوادث تهدید کننده عمل میکنند (سان مارتینی، ۲۰۰۴).

مکانیسم های دفاعی، فرآیندهای تنظیم کننده ی برای کاهش ناهماهنگی شناختی و به حداقل رساندن تغییرات ناگهانی در واقعیت درونی و بیرونی از طریق تاثیرگذاری بر چگونگی ادراک هستند. (فروید،) سبک دفاعی شخصی، یعنی فراوانی استفاده از مکانیسم های دفاعی متفاوت در مقایسه با دیگران را متغیر

¹ emotional qualities

² Flet & Hewitt

³ Frast & Marten & Lehart & Rozenbalt

⁴ Froid

اصولی برای شناخت شخصیت، آسیب شناسی و میزان سازش یافتگی می دانست. فرضیه ای که بر اساس یافته های پژوهشی بسیار مورد تایید قرار گرفته است (بشارت، ۱۳۸۷).

افراد در مکانیسم های دفاعی خاصی که به کار می برند با هم اختلاف پیدا می کنند به این تفاوت های منش شناختی^۱، سبک دفاعی^۲ گفته می شود. مکانیسم ها و سبک های دفاعی سازش یافته با پیامد های سلامت جسمانی، روانی در ارتباط قرار می گیرند (ویلنت، ۲۰۰۰).

گروهی از زنان متعارض زمانی که با چالش ها و مشکلات مواجه می شوند با آن کنار می آیند ولی با وجود تعارضات بالا در روابط، به زندگی مشترک ادامه میدهند و به دنبال راه حل برای کم کردن تعارضات هستند. گروهی دیگر از زنان متعارض هستند که، شرایط را از آن چه هست بدتر کرده و راه طلاق را انتخاب می کنند. به نظر می رسد متغیر های نامبرده در این تحقیق با توجه به مطالعات انجام شده در تحقیقات پیشین در روابط زنان تاثیر گذار بوده و بررسی آنها در کنار یکدیگر بتواند به حل مسائل زنان و جهت کمک به کاهش تعارضات آنها در ارتباطات خانواده کمک کند. بنابراین پژوهشگر در صدد خواهد بود به بررسی و مقایسه نارسایی هیجانی، کمال گرایی و سبک های دفاعی زنان متعارض، متقاضی طلاق و زنان متعارضی که جهت حل مشکل به مرکز مشاوره مراجعه میکنند و درخواست طلاق ندارند بپردازد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

در دهه های اخیر، در اثر گسترش نوگرایی و نوسازی در عرصه جهان، تحولاتی در زمینه های فرهنگی و ساختاری روی داده که سبب دگرگونی نقش های اجتماعی و آگاهی های زنان شده است. افزایش تحصیلات و اشتغال در میان زنان از سویی سبب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی می شود و از سوی دیگر سبب دشواری در هماهنگ کردن نقش های سنتی با نقش های جدید شده و به بحران هویت زنان منتهی می گردد و از مهمترین نقش های زنان در خانواده تعریف می شود و افزایش نقش گاهی منجر به تنیدگی و از هم گسستگی روابط شده و پیامد طلاق را در پی دارد (ساروخانی و رفعت جاه، ۱۳۸۳).

طلاق مهمترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی ترین بخش جامعه یعنی خانواده است و پدیده ای است قراردادی، که به زن و مرد امکان می دهد تا تحت شرایطی پیوند زناشویی خود را گسیخته و از یکدیگر جدا شوند. طلاق بر انحلال یک ازدواج رسمی، در زمانی که طرفین آن هنوز در قید حیاتند و بعد آن نیز از آن آزادند، تا دوباره ازدواج کنند، دلالت می کند. (ولتر^۳، ۲۰۰۰) می گوید: ازدواج و طلاق در این جهان، تقریباً با هم متولد شده اند. شاید ازدواج چند روز زودتر متولد شده باشد، زیرا

¹ characterological

² Defense style

³ volter

پس از زناشویی و گذشت چند روز، کار زن و شوهر، به زد و خورد و طلاق کشیده است. حقیقت این است که ازدواج و طلاق با هم به دنیا آمده اند و هر دو از قدیم بوده اند و هر دو برای بشر لازم و طلاق را از مهمترین پدیده های حیات انسانی تلقی می کنند. طلاق نخست یک پدیده روانی است، زیرا بر تعادل روانی نه تنها دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنان اثر می نهد. ثانیاً پدیده ای است اقتصادی، چه به گسست خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی می انجامد و امحاء تعادل روانی انسانها موجبات بروز اثراتی سهمگین در حیات اقتصادی آنان را نیز فراهم می آورد. و موجب می شود فرزندان محروم از نعمتهای خانواده تحویل جامعه گردند که به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم در راه احراز مقام شهروندی یک جامعه اند. و این مساله که طلاق پدیده ای فرهنگی است، جامعه ای که در آن، طلاق از حدی متعارف تجاوز کند، هرگز از سلامت برخوردار نخواهد بود. طلاق از دیدگاهی یک پدیده ارتباطی نیز محسوب می شود، بدینسان در جامعه ای که فاقد ارتباطات سالم، درست و طبیعی است، قطع پیوند یا رابطه زناشویی نیز استثناء نیست. پیوندهای ازدواج به زودی برقرار می شوند، بزودی نیز قطع می شوند. پس توجه به طلاق نه تنها از دیدگاه فرد به عنوان انسان و فرزندان مهم است، بلکه از دیدگاه جامعه، فرهنگ، و اقتصاد و حتی جمعیت نیز قابل توجه است. طلاق به هر دلیل درست یا نادرست هم برای فرد و هم برای اجتماع پیامدهایی دارد، افراد مطلقه و فرزندان طلاق در بهترین حالت شاید ترحم محیط و افراد پیرامون خود را دریافت کنند و زندگی بعد از طلاق به معنی یک زندگی ناقص است که غالباً زنان و فرزندان بیشترین آسیب را متحمل خواهند شد و دو نیمه شدن خانواده در اغلب موارد اثرات روحی، روانی، و اقتصادی دراز مدتی را بر جمیع اعضای خانواده و حتی اطرافیان بر جای خواهد گذاشت (به نقل از علیایی، ۱۳۹۲).

بی هیچ شبهه ای طلاق از دشوارترین پدیده های اجتماعی از دیدگاه پژوهشی است. فروپاشی روابط زوجین شایعترین جلوه تعارض شدید است. شواهد نشان می دهد که حدود نیمی از ازدواجهای امروزی به طلاق می انجامد. بعد از طلاق حدود ۶۵٪ زنان و ۷۰٪ مردان احتمالاً دوباره ازدواج می کنند و حدود ۵۰٪ افرادی که برای بار دوم ازدواج کرده اند، دوباره طلاق می گیرند (یانگ و لانگ، ۲۰۰۵). با شناسایی عوامل خطر زا در زندگی زناشویی و کنترل آن ها می توان آینده ای روشن را برای جامعه رقم زد از جمله این عوامل خطر زا شناسایی جنبه های خطر زا، شناسایی جنبه های عاطفی و ابراز و درک متقابل از طریق زوجین می باشد. در کتاب گلشن، هیجان به عنوان بهترین عامل پیش بینی کننده موقعیت برای زندگی معرفی شده که هر کس می تواند به آن دست یابد (محمدیان، ۱۳۹۱).

طبق آمار ثبت احوال کشور، در پنج سال اخیر، از ۱۲,۵ طلاق در مقابل هر ۱۰۰ ازدواج در سال ۱۳۸۷ به ۱۸,۱ طلاق در مقابل هر ۱۰۰ ازدواج در سال ۱۳۹۱ افزایش را شاهد بوده ایم و به عبارت دیگر سرعت افزایش طلاقها در مقایسه با ازدواج تقریباً ۱,۵ برابر شده است. طلاق خواه به عنوان یکی از علل